



خلاء امکان ورزش اجباری به عنوان جایگزین مجازات کودکان بزهکار

علیرضا عبدالملکی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران

Alireza.malekie@gmail.com

چکیده

اطفال، همواره به عنوان بخش مهمی از بدنه جامعه مطرح بوده اند. این قشر آسیب پذیر ممکن است به دلایل مختلفی تحت عنوان بزه کار درگیر ارتکاب جرائم مختلف شود. به دلیل شرایط خاص جسمی و روحی ایشان، قانون گذار باید باحساسیت بیشتری نسبت به برخورد با آنان اقدام کند. برخورد نامناسب و اعمال مجازات های ناروا قطعاً در سرنوشت و آینده این نیروی کار کشور، تأثیری سو خواهد داشت. لازمه برخورد بجا با این قشر، تصویب و اجرای قوانین مناسب است. قوانینی که با ریزنگری و دقت فراوان و مشورت با اهالی فن، به تصویب رسیده باشد و توانایی اصلاح این بزه کاران (به تعبیری خرد) را داشته باشد. جهت دستیابی به این مهم، پیش بینی مجازات های مناسب اصلاح گر، راهکاری موثر می باشد. قانون گذار در سال 92 اقدامات نسبتاً موثری در این راستا صورت داد، من جمله در نظر گرفتن مجازات های جایگزین حبس، در برخورد با بزهکاران. فصل دهم قانون مجازات که به مجازات ها و اقدامات تامینی اطفال اختصاص دارد، طیفی از اقدامات قابل اعمال برای اطفال بزهکار در نظر گرفته است. در این نوشتار عقیده بر این است که این اقدامات موثر ولی ناکافی است و افزودن اقدامات خلاقانه دیگر نظیر «ورزش اجباری» بسیار راه گشا خواهد بود.

واژگان کلیدی: قانون مجازات اسلامی، مجازات جایگزین، ورزش اجباری، کودکان بزهکار

مقدمه:

اصل فردی سازی مجازات) هستند. همچنین علل وقوع جرم از سوی اطفال نسبت به این علل و اغراض در بزرگسالان متفاوت است. تربیت صحیح این قشر و حمایت لازم از ایشان قطعاً حمایت از جامعه خواهد بود. رویکردهای جدید پیشگیری در دهه های اخیر، موجب شد که دولت ها در راهبرد سیاست جنایی خود به لحاظ اقدام های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و وضعی، برای حذف و محدودتر کردن علل و فرصت های جرم به پیشگیری غیرکیفری توجه کنند (نجفی ابرند آبادی، 1378). قانون گذار در سال 1392 و در پی تدوین قانون مجازات اسلامی جدید، فصلی را به «مجازات ها و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» اختصاص داد (مواد 88 الی 95) فارغ از ابهاماتی که در این فصل وجود دارد (نظیر تبصره 2 ماده 88) که محل بحث حاضر نیست، منطق ایجاب می کرد که قانون گذار اقدامات و برخوردهای

مناسب و متنوع تری در برخورد با این قشر مهم و نیروی انسانی جامعه، اتخاذ می کرد. یکی از اقدامات متصور، در نظر گرفتن «ورزش اجباری» به عنوان مجازات جایگزین برای کودک بزهکار می باشد. بلاشک تأثیر این نوع اقدام، کمتر از موارد مندرج در بندهای مختلف ماده 88 نیست و علی الخصوص در مورد کودکانی با شرایط

اصل «فردی سازی مجازات» یکی از اصول بنیادین در حوزه حقوق کیفری است. بر اساس این اصل، نوع برخورد قانون و دستگاه قضا با متهم و مجرم، تابعی از عوامل مختلف نظیر شخصیت، سن، جنس و... می باشد. عقل و منطق نیز اقتضا می کند برخورد قانون با یک مجرم اتفاقی (مجرمین اتفاقی بزهکارانی هستند که اصولاً تمایلی به ارتکاب بزه نداشته و اگر مرتکب جرمی شوند، ناشی از تحت تأثیر قرار گرفتن عوامل و مقتضیاتی است که آنان را وادار به ارتکاب جرم می کند) (شامبیاتی، 1371، ص 173) و یک مجرم به عادت (این قبیل مجرمین تحت تأثیر شرایط و عوامل جرم زای محیط از قبیل بیکاری، معاشرت با افراد ناباب و تأثیر سو زندان و...، پس از محکومیت و تحمل کیفر مجدداً به طرف بزهکاری کشیده می شوند) (ولیدی، 1388، ص 107)،

یکسان نباشد. «سن» نیز می تواند یکی از عوامل تأثیر گذار در نوع برخورد با مرتکب جرم باشد. کودکان و نوجوانان به دلیل شرایط خاصی که دارند، نیازمند برخورد مناسب قانون گذار (با عنایت به